

## The Manifestation of Qur'anic Verses in the Prayers of Sh'abaniyeh (Case Study of Divine Attributes)

<b>Bibi Sadat Razi Bahadi</b> 	Associate Professor of Department of Qur'anic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran
<b>Fereshteh Langroudi</b> 	<b>Motamad</b> Postdoctoral researcher, Department of Qur'anic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran
<b>Zahra Sarfi</b> 	Assistant Professor of Department of Qur'anic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran
<b>Zahra abae*</b> 	MA in Qur'anic Studies and Hadith, Department of Qur'anic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran

### Abstract

The prayers of Sh'abaniyeh among the proverbial prayers are one of the special prayers of Imam Ali (a.s.), who has high mystical knowledge. Since the existence of Imam Ali (a.s.) as a talking Qur'an is intertwined with the truth of the Qur'an, without a doubt, his prayers also have a deep connection with the Holy Qur'an as a silent Qur'an. The noteworthy part of this prayer is about the attributes of God, which has a close and meaningful connection with the Holy Qur'an. In the current research, with the approach of the effective methods of the texts, the explanation of the content exchange of the divine attributes expressed in these mystical prayers with the Holy Qur'an is discussed. The results of the research show that the manifestations of the verses in these prayers are mainly in the form of indirect influence, and different ways of influence, including lexical, propositional, report and inspiration, are worthy of observation in the section of divine attributes, which is the most lexical and of the conclusion type. Knowledge, forgiveness, power, mercy, joy, sustenance and praise are among the most important divine attributes expressed in these supplications, which have been manifested based on the Qur'an. Knowledge, forgiveness, power, mercy, joy, sustenance and praise are among the most important divine attributes expressed in these supplications, which have been manifested based on the Qur'an.


**Keywords:** Prayers of Sh'abaniyeh, Holy Qur'an, Imam Ali (AS), Effectiveness, Divine Power, Divine Forgiveness.

\* Corresponding Author: zahraabae1345@yahoo.com


**How to Cite:** Razi Behabadi, BS, Motamad Langroudi, F, Sarfi, Z & Abaei, Z. (2023). The Manifestation of Qur'anic Verses in the Prayers of Sh'abaniyeh (Case Study of Divine Attributes), *Journal of Seraje Monir*, 13(45), 185-216.

## تجلی آیات قرآنی در مناجات شعبانیه (مطالعه موردی اوصاف الهی)


دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

بی بی سادات رضی بهابادی 

پژوهشگر پسادکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

فرشته معتمد لنگرودی 

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

زهرا صرفی 

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

زهرا آبائی \*

### چکیده

مناجات شعبانیه در میان دعاهای مأثور، از مناجات‌های خاص امام علی (ع) است که معارف بلند عرفانی دارد. از آنجا که وجود امام علی (ع) به مثابه قرآن ناطق با حقیقت قرآن عجین است، بی‌تردید مناجات ایشان نیز ارتباط عمیق با قرآن کریم به عنوان قرآن صامت دارد. بخش درخور توجهی از این دعا درباره اوصاف الهی است که ارتباط وثیق و معنادار با قرآن کریم دارد. در پژوهش حاضر، با رویکرد شیوه‌های اثرپذیری متون، به تبیین تبادل محتوایی اوصاف الهی بیان شده در این مناجات عارفانه، با قرآن کریم پرداخته می‌شود. نتایج پژوهش، بیانگر آن است که جلوه‌های تجلی آیات در این مناجات به طور عمده در قالب تأثیرپذیری غیرمستقیم است و شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری، شامل واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی و الهامی در بخش اوصاف الهی شایسته مشاهده است که بیشترین تأثیرپذیری واژگانی و از نوع برآیندسازی است. علم، عفو، قدرت، رحمت، جود، رزق و حمد از مهم‌ترین اوصاف الهی بیان شده در این مناجات است که بر اساس قرآن تجلی یافته است.

کلیدواژه‌ها: مناجات شعبانیه، قرآن کریم، امام علی (ع)، تأثیرپذیری، قدرت الهی، عفو الهی.

## ۱. مقدمه

مناجات اولیای الهی، فصل بالنده‌ای است که پیوند با پروردگار هستی را آشکارا جلوه‌گر می‌سازد. مناجات منقول از امامان معصوم ارتباط ویژه میان خالق و مخلوق را ترسیم کرده‌اند؛ چنان‌که اگر این ارتباط با درگاه ملکوتی او نباشد، بندگان از رحمت و عنایت خاص الهی محروم خواهند بود (ر.ک؛ الفرقان / ۷۷). مناجات مأثوره ماه شعبان از جمله ادعیه‌ای است که لحن عارفانه و سبک شیوای آن، از مضامین والا و عرفانی برخوردار است. این مناجات، نشانه معرفتی عاشقانه با حق تعالی و بصیرتی عارفانه به نیازهای بشر است که بین خداوند و امام علی<sup>(ع)</sup> برقرار شده‌است و دیگر امامان معصوم بر آن مداومت ورزیده‌اند (ر.ک؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۹۵). امام خمینی<sup>(ره)</sup>، مناجات شعبانیه را از افتخارات شیعه برشمرده‌است و به عظمت و اهمیت آن تصریح داشته‌است (ر.ک؛ خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۳: ۳۲).

به طور کلی، مضامین مناجات شعبانیه شامل دو بخش است: بخشی در قالب جملات خبری به توصیف خداوند و بنده می‌پردازد و بخش دیگر در قالب جملات انشایی، دعاها و درخواست‌های بنده از خداوند متعال است. از آنجا که حضرت علی<sup>(ع)</sup> به مثابه قرآن ناطق با حقیقت قرآن عجین و همسو هستند، سخنان ایشان ارتباط عمیق با قرآن کریم دارد؛ چراکه پیوند همیشگی قرآن و عترت از جمله مبانی است که در آموزه‌های بنیادین اسلامی، نمودی برجسته داشته‌است. تحلیل تأثیرپذیری مناجات شعبانیه از آیات قرآن کریم منجر به درک صحیح‌تر و عمیق‌تر از این دعا خواهد شد و افق معنایی جدیدی از این مناجات را فراهم می‌آورد. از این رو، پژوهش پیش رو در پی آن است تا تجلی آیات قرآن کریم در مناجات شعبانیه را در موضوع اوصاف الهی بنمایاند و گونه‌های مختلف این تجلی را تبیین و تحلیل کند. پرسش اساسی پژوهش این است که گونه‌های تجلی آیات قرآن کریم برای تبیین اوصاف الهی در مناجات شعبانیه کدام است؟ همچنین، پرکاربردترین گونه تجلی کدام است؟

اهمیت این پژوهش آن است که با پی بردن به ابعاد تجلی آیات قرآن کریم در اوصاف الهی بیان شده در مناجات شعبانیه، می توان دریافت اهل بیت چگونه و با چه شیوه‌هایی از آیات قرآن کریم بهره می‌جستند که این امر منجر به کشف روش‌ها و الگوهای ارائه آموزه‌های الهی به مخاطبان می‌شود. همچنین، تطبیق آیات قرآن کریم با عبارات و جملات این دعا سبب استحکام و اعتبار ادعیه معصومان<sup>(ع)</sup> خواهد شد.

درباره مناجات شعبانیه، کتاب‌هایی به قلم تحریری (۱۳۸۶)، محمدی گیلانی (۱۳۷۳)، عبدخدایی (۱۳۸۴) و علیدوست خراسانی (۱۳۹۶) نگاشته شده‌است که این مناجات را شرح داده‌اند. با اینکه متن مناجات شعبانیه ظرفیت بسیار مناسبی برای بررسی شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن را دارد، اما پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته‌است. لذا در پژوهش حاضر، با رویکرد تحلیلی، تأثیرپذیری اوصاف الهی بیان شده در مناجات شعبانیه از آیات قرآن کریم بررسی می‌شود.

## ۲. شناخت‌نامه مناجات شعبانیه

مناجات شعبانیه در منابع مختلف روایی، از جمله کتاب *اقبال الأعمال* (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۹۶)، *بحار الأنوار* (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۹۱: ۹۷)، *زاد المعاد* (همان، ۱۴۲۳ ق.، ج ۴۷)، *الصحیفة العلویة والتحفة المرتضویة* (سماهیجی، ۱۳۶۹: ۱۸۵)، *موسوعه الامام امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب*<sup>(ع)</sup> (قرشی، ۱۴۲۹ ق.، ج ۴: ۲۱۶) و *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه* (خوئی، ۱۴۰۰ ق.، ج ۱۹: ۲۸۰) بیان شده‌است. ابن طاووس (۶۶۴ ق.) به نقل از ابن خالویه می‌گوید: «مناجات شعبانیه، مناجاتی است که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و ائمه طاهرین از اولاد او، آن را در ماه شعبان قرائت می‌کردند» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۹۵). علامه مجلسی نیز در کتاب *زاد المعاد* به سند معتبر از سیدبن طاووس و او نیز از ابن خالویه همین عبارت را ذکر کرده‌است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۲۳ ق.، ج ۴۷). بر این اساس، راوی مناجات شعبانیه، «حسین بن خالویه» است و او نیز به صورت مرسل آن را از امام علی<sup>(ع)</sup> نقل کرده‌است، اما تعدادی نیز راوی مناجات شعبانیه را «علی بن محمدبن یوسف بن مهجور»، با

کنیه «ابن خالویه» می‌دانند. آنان گفته‌اند این اشتباه نخستین بار از ناحیه «ابن النجار»، استاد سیدبن طاووس، صورت گرفته‌است و سیدبن طاووس در کتاب *اقبال الاعمال* از وی، و دیگران نیز از وی نقل کرده‌اند (ر.ک؛ شفیع، ۱۳۷۶: ۲). گفته شده علی بن محمدبن خالویه از مشایخ نجاشی بوده‌است. نجاشی او را شیعه و فردی مورد اطمینان معرفی کرده‌است و نوشته که سه کتاب در اعمال رجب، شعبان و رمضان نگاشته بود (ر.ک؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۷). احتمال داده شده که دلیل این اشتباه، تشابه کنیه‌ای و هم‌زمانی حسین بن خالویه (۳۷۰ ق.) با علی بن محمدبن خالویه بوده‌است (ر.ک؛ موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۵۰ و مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۷: ۴۹۳).

گفتنی است ارزشگذاری ادعیه و مناجات با ملاک و روش سندی، نسبت به ارزشگذاری محتوایی آن‌ها، اعتبار کمتری دارد. لذا برای تعیین اعتبار، رفتن به سراغ متن و محتوای آن‌ها ضروری است و اساساً نباید روایات تفسیری، از جمله ادعیه را صرفاً بر اساس سند ارزیابی نمود؛ زیرا صحیح‌ترین سند و برترین مدرک، صدور این مناجات از خاندان رسالت، همانا علو مضامین این مناجات است.

### ۳. گونه‌های تأثیرپذیری از قرآن در تبیین اوصاف الهی

امام علی<sup>(ع)</sup> در مناجات عارفانه شعبانیه، اوصاف الهی متعددی را بیان کرده‌است و اوصاف الهی که این پژوهش به آن‌ها پرداخته، نوزده وصف برجسته‌است که ارتباط وثیق و معناداری با آیات قرآن دارند. به طور کلی، خاستگاه اصلی موضوع اوصاف الهی، دانش کلام است که این دانش بیش از سایر دانش‌های دیگر اسلامی و پیشتر از آن‌ها به موضوع صفات الهی توجه داشته‌است. دانش کلام به عنوان علوم عقلی است که قرآن در پیدایش آن جایگاه والایی داشته‌است؛ زیرا دانش کلام که موضوع آن مبدأ و معاد است، با تکیه به متون وحیانی، مسئولیت دفاع از دین را بر عهده دارد و از این رو، از آیات و روایات بهره می‌برد. یکی از متون روایی که به طور گسترده به بحث صفات الهی می‌پردازد، ادعیه و مناجات امامان معصوم<sup>(ع)</sup> است که در این بخش، اقسام بهره‌گیری امام علی<sup>(ع)</sup> از آیات قرآن

برای تبیین اوصاف الهی در مناجات شعبانیه، اعم از واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی و الهامی بررسی شده است، تا حدود و ثغور این اثرپذیری مشخص گردد. یادآوری می‌شود قرار گرفتن فرازی از دعا در نوع خاصی از اثرپذیری، وجود نوع دیگر را رد نمی‌کند و چه بسا فرازی از اوصاف الهی بیان شده در مناجات شعبانیه، شامل اثرپذیری چندسویه باشد:

### ۱-۳-۱. اثرپذیری واژگانی

در این شیوه، امام علی<sup>(ع)</sup> در به‌کارگیری پاره‌ای از واژگان و ترکیب‌ها، وامدار قرآن کریم است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در اوصاف الهی می‌آورد که ریشه قرآنی دارند. اثرپذیری واژگانی در زمینه اوصاف الهی بیان شده در مناجات شعبانیه، به دو صورت وام‌گیری و برآیندسازی مشهود است.

### ۱-۳-۱-۱. وام‌گیری

در این روش، یک واژه یا ترکیب قرآنی با همان ساختار عربی خود، بدون هیچ دگرگونی لفظی یا معنوی استفاده می‌شود (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۸۵: ۱۵).

### ۱-۳-۱-۱-۱. قدرت الهی

حضرت علی<sup>(ع)</sup> در فرازی از دعا، به ضعف انسان در برابر قدرت مطلق حق تعالی اشاره داشته است: «وَيَدِكْ لَا يَبْدُ غَيْرُكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي: و به دست توست، نه به دست دیگری، کم و زیاد شدن و سود و زیان من». واژه «ید» در عبارت فوق، اخذ شده از آیه ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (الفتح / ۱۰) است که با همان لفظ و معنا و بدون تغییر در ساختار استفاده شده است. واژه «ید» در اینجا، مجاز از قدرت حق تعالی و قادر مطلق بودن اوست. تعریف مشهوری که از سوی متکلمان اسلامی برای قدرت خداوند مطرح شده، عبارت است از صدور فعل همراه با ترک آن (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق.: ۷۵؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۵ ق.: ۲: ۲۷۹ و حلی، ۱۴۱۳ ق.: ۳۵۴)

امام علی<sup>(ع)</sup> تمام قدرت مطلقه را از آن خداوند متعال دانسته است و همه زیادت و نقصان و سود و ضرر خویش را نیز به او نسبت می دهد، به گونه ای که انسان هیچ گونه نیرو و توان مستقل از خدا نخواهد داشت. این نوع نگره فکری، نشانه سالکِ اِلی الله است که خود را در مسیر خدا می بیند که زمام راهیان آن به دست خداست. از این رو، پرهیز و ترس او، قربه اِلی الله است؛ زیرا اگر چنین نباشد، او برای خود می ترسد، نه برای رضای خدا و بنابراین، اهل سیر نیست (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۰۶).

همچنین، در عبارت «نَفَعِي وَضَرِّي» که همه سود و زیانها را به قدرت و خواست خداوند متعال معرفی کرده، از آیه «قُلْ لَنَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَنَا ضَرًّا لَنَا مَا شَاءَ اللَّهُ» (الأعراف / ۱۸۸) اخذ شده است. لذا پروردگار مدبر و مالک، زمام امور بشر در حیطه قدرت اوست، چنانچه اگر بخواهد که ضرر و نفعی و یا غنیمتی به کسی برسد، هرگز کسی نمی تواند مانع شود. امام علی<sup>(ع)</sup> وصف الهی فوق را با الهام از کلام وحی اخذ نموده، عیناً با همان قید و همان معنا به کار برده است. به این ترتیب، بین مناجات و کلام وحی، پیوند واژگانی از نوع وام گیری برقرار کرده است.

عبارت دیگری که امام علی<sup>(ع)</sup> به ضعف انسان در برابر قدرت مطلق حق تعالی اشاره دارد، عبارت است از: «فَأِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا: زیرا من قادر بر دفع چیزی از خود نیستم و مالک سودی هم برایش نیستم». واژه «نَفْعًا» از آیه «إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (الفتح / ۱۱) اثرپذیری واژگانی گرفته است. امام علی<sup>(ع)</sup> واژه «نَفْعًا» را عیناً از کلام وحی وام گرفته، با همان ساختار و معنا در کلام خویش استفاده نموده است. امام علی<sup>(ع)</sup> به خوبی می دانست که بشر هیچ گونه قدرتی از خود ندارد و همان طور که در اصل وجود، نیاز به پروردگاری دارد، در کلیه متعلقات هم، اعم از هدایت و سعادت، محتاج به عنایات ایزدی است. در واقع، این واژه قرآنی در راستای توحید افعالی پروردگار است که هرچه از سود و زیان و ایمنی از هر خطر و زبانی است، همه به خواست پروردگار است. همچنین، عموم بشر هرگز بر ضرر و زبانی که از حوادث جهان به آنان پیش آید، آگاه نبوده، احاطه نخواهند داشت، جز آنچه را که پروردگار درباره آنان اجرا



فرماید و از خطر و زیان آنها را ایمن فرماید (ر.ک؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۱۸۳).

### ۲-۱-۱-۳. عفو

امام<sup>(ع)</sup> درباره بخشایش حق تعالی در فرازهای مختلفی از مناجات شعبانیه چنین فرموده است: «وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي: و گذشت تو برتر است از عمل من»، «إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ: خدایا اگر بگذری، پس کیست که از تو بدین کار سزاوارتر باشد» و «إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ: خدایا اگر مرا به جنایتم مأخوذ داری، من هم تو را به عفو بگیرم». واژه «عفو» به صورت اثرپذیری واژگانی از قرآن وام گرفته شده است: «وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (المائده / ۱۵)، «وَهُوَ الَّذِي يُقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ» (الشوری / ۲۵)، «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (الشوری / ۳۰). اصل در «عفو» عبارت است از صرف نظر از چیزی در موردی که اقتضای توجه و نظر وجود دارد و از مصادیق آن، صرف نظر از گناهان، خطا و عقاب است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۱۸۱). این واژه در فرازهای مناجات حضرت و در آیات مزبور، به بخشش و عفو الهی تصریح دارد و حضرت این واژه را با تأثیرپذیری از قرآن، بدون تغییر در ساختار آن در همان معنا و مفهوم به کار برده است. به این ترتیب، بین دو متن، بینامتنی واژگانی از نوع وام‌گیری برقرار کرده است.

### ۲-۱-۳. برآیندسازی

در این شیوه، واژه یا بخشی از ترکیب قرآنی، به گونه‌ای تغییر یافته از اصل و بر پایه مفهوم و دلالت کلی آن به کار می‌رود (ر.ک؛ راستگو، ۱۳۸۵: ۱۸). لذا در این شیوه، عین لفظ و ترکیب قرآنی نیامده است، بلکه امام علی<sup>(ع)</sup> از آیات با افزودن کلمات دیگر، برآیند و فراورده‌ای ساخته است.



### ۳-۱-۲-۱. اراده الهی

تبیین این صفت الهی در مناجات شعبانیه چنین آمده است: «إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي: خدایا اگر خواری مرا خواسته بودی، راهنماییم نمی کردی و اگر رسواییم را می خواستی، تندرستیم نمی دادی». فعل «أَرَدْتَ» برآیند و بر ساخته ای از آیات «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس / ۸۲) و «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (النحل / ۴۰) است. امام<sup>(ع)</sup> به منظور توجه بیشتر مخاطب با اندک تغییری در ساختار واژه قرآنی، آن را به سبک خود در دعا به کار می گیرد، به این ترتیب که به جای ضمیر غائب و متکلم مع الغیر از ضمیر مخاطب «ت» بهره برده است. اراده همان فعل خداوند متعال است (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ ق.: ۵۳ و طوسی، ۱۳۶۲: ۵۵). شیخ مفید در توضیح یکی بودن اراده و فعل خدا، تقدم اراده بر مراد را فقط در مخلوقات جایز می داند؛ زیرا آن ها به واسطه نقص و نیازمندی، دارای تصور و نیت درونی و خاطرات و واردات قلبی هستند که لاجرم برای انجام فعل باید بر آن نیت و خواست درونی، عزم و اراده پیدا کنند، تا پس از آن، فعل واقع شود. از این رو، اراده در مخلوقات، تصور فعل و پیش از فعل است، اما خدای متعال چون از نیاز منزّه است و وصف او به اعضا و جوارح محال است و انگیزه و خطورات قلبی بر او جایز نیست، نیاز او در انجام فعل به قصد و عزم باطل است و اراده درباره او، خود انجام فعل است، نه تصور فعل و عزم بر انجام آن (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ ق.: الف: ۱۱۱).

عبارت «إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي»، جمله ای استدلالی و به اصطلاح علم منطق قیاس استثنایی است؛ یعنی اگر می خواستی مرا خوار کنی، هدایت نمی کردی، ولی هدایتم کردی، پس معلوم می شود قصد خوار کردن مرا نداری. لذا وقتی انسان نعمت های فراوان خداوند را می بیند و توجه می کند که خداوند چقدر او را هدایت کرده، عافیت روزی نموده، یقین می کند که در رحمت خدا باز است و حدس می زند که ان شاء الله این رحمت در آینده نیز شامل حالش خواهد شد (ر.ک؛ سفره توحید؛ سیری در مناجات شعبانیه، ۱۳۹۸: ۸۴). اصل پیدایش هر چیزی در جهان امکان و نیز انقطاع

یا استمرار آن، تابع اراده الهی است. اگر خداوند چیزی را به طور محدود بخواهد، آن شیء موقتاً انجام می‌شود و اگر امری را به طور مستمر اراده کند، آن چیز به نحو دائم محقق می‌گردد. فیض مستدام حق بر اثر مشیت دائمی اوست و این فیض بی کران و نابریده است: «عطاءً غیرمجدوذ» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۸۷).

همچنین، این عبارت مناجات مترادف با آیه «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدْلِلُ مَنْ تَشَاءُ» (آل عمران/ ۲۶) است و به لحاظ گزاره‌ای از این آیه تأثیرپذیرفته است.

### ۳-۱-۲-۲. رحمت الهی

امام<sup>(ع)</sup> در ابتدای دعا، رحمت الهی را چنین بیان کرده است: «إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ: خدایا، اگر من شایستگی رحمت تو را ندارم، ولی تو شایسته آن هستی که از زیادی بخششت به من احسان کنی». واژه «رَحْمَتِكَ» در این فراز از مناجات برآیندی از آیه «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا» (الغافر/ ۷) است، به این صورت که واژه «رحمة» را به همراه ضمیر مخاطب «رَحْمَتِكَ» تغییر داده است. بدین ترتیب، حضرت با اندکی تغییر در واژه قرآنی آن را به سبک خود در مناجات بازآفرینی نموده است.

«رحمت» از ریشه «رحم» به معنای «رقت و تَلَطَّف» است (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۱۲: ۲۳۱). راغب معتقد است منظور از رحمت که وصف خداوند است، انعام و افضال است، نه رقت و تَلَطَّف. از این نظر است که روایت شده است: «أَنَّ الرَّحْمَةَ مِنَ اللَّهِ إِنْعَامٌ وَ إِفْضَالٌ، وَ مِنَ الْإِنْسَانِ رِقَّةٌ وَ تَعَطُّفٌ: رحمت از خدا انعام و فضل، و از آدمیان رقت قلب و عاطفه است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق.، ۳۴۷). بدین ترتیب، در پروردگار متعال، این صفت به معنای اعطا و افاضه برای رفع حاجت است.

به طور کلی، اظهار و تقاضای رحمت بندگان در برابر حق تعالی، زمینه‌های جذب عنایات الهی را در درون انسان فراهم می‌نماید. از این رو، این تعبیرات لطیف مناجات، زبان تقاضای بنده را از حق تعالی بازگو می‌کند که خدایا اگرچه استحقاق گرفتن رحمت را

ندارم، ولی به سبب کمال ذاتی نامحدود خود، مرا مشمول تفضل بی کرانت بگردان (ر.ک؛ تحریری، ۱۳۸۶: ۶۷). در این قسمت از مناجات، از یک طرف به ضعف انسانی و از سوی دیگر، به قدرت گسترده الهی، از یک طرف، به فقر بشری و از یک سو، به رحمت و تفضل الهی اشاره شده است. درباره فاعلیت خداوند و قابلیت امکانی دو دیدگاه وجود دارد، برخی می گویند خداوند در صورتی افاضه فیض می کند که در موجود و ماهیت او قابلیت وجود داشته باشد، وگرنه فیض از سوی او انجام پذیر نخواهد بود. برخی دیگر می گویند اصلاً موجود از خود چیزی ندارد که شرط افاضه فیض الهی باشد، قابلیت را هم خود او داده است (ر.ک؛ عبدخدایی، ۱۳۸۴: ۸۲).

### ۳-۱-۲-۳. کرم

امام علی (ع) در اواسط مناجات، این صفت خداوند متعال چنین بیان کرده است: «مَتَوَسَّلْ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ: و به وسیله کرم تو به در گاهت توسل جویم»، «فَشَكَرْتُكَ يَادُّخَالِي فِي كَرَمِكَ: پس تو را سپاس گویم که مرا در کرم خویش داخل کرده ای». امام در این فراز کوتاه، چنین بیان می کند که وسیله من، کرم و بزرگواری توسل و نه اتکا به عملی دارم و نه دلگرم به شخصی، بلکه تمام چشم و امیدم به کرم و بزرگواری توسل. واژه «کرم» برآیندی از واژه «کریم» در آیات «فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (النمل / ۴۰) و «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (الإنفطار / ۶) است. از نظر لغوی، «کرم» به معنای «بخشش و نعمت دادن» است. هرگاه خدای تعالی با این واژه وصف شود، اسمی برای احسان و نعمت بخشیدن ظاهر اوست (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۷۰۷). در واقع، کرامت از جمله صفاتی است که همه صفات و افعالی را که به نوعی دال بر عزت و بزرگی شخص است، در بر می گیرد و یکی از آن ها بخشش و جود است. لذا هر فعل و یا قولی که به صورت نیکو انجام گیرد، کرامت نام دارد؛ مانند قول کریم، رزق کریم، وجه کریم و... بر این اساس بخشش از لوازم کرامت است (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۴۷). چنان که

پیداست، تجلی آیات قرآنی در این فراز از مناجات، به صورت واژگانی و از نوع برآیندسازی نمود یافته‌است.

#### ۴-۲-۱-۴. پناه دادن

امام<sup>(ع)</sup> در زمینه این صفت الهی چنین فرموده‌است: «وَإِنْ مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمْ تُسْتَجِرْ وَقَدْ لُدْتُ بِكَ: و هر که به تو پناه جوید، پناه دارد و خدایا، من نیز به تو پناه آورده‌ام». ماده «عَصَم» به معنی «امساک یا نگه‌داشتن و حفظ کردن»، و «اعْتَصَمَ» به معنی «درآویختن و دست یازیدن و تمسک و دستاویز چیزی» آمده‌است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۵۶۹). مراد از پناه بردن به درگاه خداوند این است که انسان از حول و قوه خود خارج شود و در قلبش، همه امور را به خدا واگذار نماید و همیشه به درگاه او تضرع کند. به همین سبب، حضرت بعد از این قسمت‌ها می‌گوید: «وَقَدْ لُدْتُ بِكَ»؛ یعنی حالا که تنها راه نجات تو هستی، به تو پناه می‌آورم، چون می‌دانم با پناه آوردن به تو هیچ گاه زمین نخواهم خورد.

واژه «اعْتَصَمَ» برآیندی از واژگان قرآنی «يَعْتَصِمُ» و «اعْتَصِمُوا» در آیات ﴿وَمَنْ يَتَّصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (آل عمران/ ۱۰۱) ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...﴾ (آل عمران/ ۱۰۳) است. مقصود از «حبل الله»، آیات کتاب، نبوت و احکام آن است که راه خدا را می‌نمایانند و می‌گشایند و اعتصام به آن‌ها به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند: ﴿وَمَنْ يَتَّصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾. ایمان و تحقق تقوا تا مقام تسلیم، انسان را از تجزیه و تفرقه درونی و سقوط و مجتمع ایمانی را از پراکندگی می‌رهاند و بالا می‌برد. این تشبیه و استعاره حسی، یعنی «بِحَبْلِ اللَّهِ»، آیات، سنن، احکام، کتاب الهی و تعهدهای ناشی از آن‌هاست که اعتصام به مجموع آن‌ها، فرد و جمع را از بازگشت و ارتجاع به جاهلیت، پراکندگی و سقوط بازمی‌دارد و به سوی توحید، کمال و بروز استعدادها بالا می‌برد، همچون رشته عهدی که بین خالق و خلق است و از مقام الوهیت تنزل یافته، آویخته شده‌است و تا اعماق اندیشه انسان پیوسته گردیده‌است و باید این رشته را با همه قوای

فکری، خلقی و عملی، محکم گرفت و به آن پناهنده شد و عصمت و اعتصام یافت (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۲۵۶).

#### ۵-۲-۱-۴. امید بندگان

نمونه دیگر اثرپذیری واژگانی در اوصاف الهی، صفت «رجا» است: «إِلَهِي إِنْ كَانَ صَعْرَفِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي: خدایا، اگر عمل من در جنب اطاعت تو کوچک است، آرزویم در کنار امید به تو بزرگ است». هنگامی که انسان به دعا می‌پردازد، باید امید به خدا، عنایات او و توجه به نقش دعا داشته باشد و بداند که هیچ کاری بدون نتیجه و پاداش نیست، نه اینکه بی تفاوت و مأیوس باشد. «رجا»، نشانه ایمان است؛ یعنی ایمان به خدا، ایمان به رحمت خدا، ایمان به پاداش او و از همه مهم‌تر، ایمان به لقای وی (ر.ک؛ عبدخدایی، ۱۳۸۴: ۶۱). در واقع، نیل به سعادت اخروی، نیازمند مقدمات است. هرگاه انسان مقدمات سعادت را از طریق ایمان و عمل صالح و تقوی تحصیل کند و امیدوار و منتظر سعادت و نیل به رحمت حق باشد، چنین کسی دارای رجاست (ر.ک؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۲۲). از این رو، باید مؤمن همیشه امیدوار به رحمت پروردگار باشد؛ زیرا امید به رحمت خدا از ارکان دین و یأس و ناامیدی از رحمت، کفر است (ر.ک؛ یوسف / ۸۷).

واژه «رَجَائِكَ» برآیندی از واژگان قرآنی «يُرْجُونَ» و «يَرْجُونَ» در آیات ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يُرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ...﴾ (البقره / ۲۱۸) و ﴿يَرْجُونَ رَحْمَةَ رَبِّهِ﴾ (الزمر / ۹) است که با تغییرات صرفی در مناجات شعبانیه بیان شده است، به این گونه که به صورت مصدر و به همراه ضمیر مخاطب تغییر کرده است.

#### ۴-۲. اثرپذیری گزاره‌ای

مقصود از گزاره، عبارت یا جمله‌ای است که در این شیوه، از اثرپذیری عبارت قرآن کریم با همان ساختار و یا با تغییرات و دگرگونی اندک در کلام آورده می‌شود. البته ممکن است عبارت قرآنی با تغییرات لفظی یا ترکیبی هم آورده شود. از این رو، این نوع تأثیرپذیری دو

گونه است: تضمین (اقتباس) و حلّ یا تحلیل (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۳۷۶: ۳۰۸؛ راستگو، ۱۳۸۵: ۳۰ و خیاط، ۱۳۹۲: ۸۹).

#### ۴-۲-۱. تضمین

در تضمین (اقتباس) امام علی<sup>(ع)</sup> آیه‌ای از قرآن یا عبارتی قرآنی را با همان ساختار و بدون تغییر در سخنان خود می‌آورد، بی‌آنکه تصریح به اسناد شود. امام علی<sup>(ع)</sup> تنها در یک مورد از صفات الهی و در زمینه علم خداوند متعال، از اقتباس صریح به آیه قرآن استفاده کرده است. ایشان در فراز ابتدایی این مناجات، درباره علم الهی چنین فرموده است: «رَاجِئاً لِمَا تَرَانِي وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تُخْبِرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي». عبارت «وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي» از آیه ﴿...فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أُعَلِّمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ لَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (المائدة/۱۱۶)، به صورت جزئی، بیانگر اثرپذیری گزاره‌ای است. مشاهده می‌شود که بخشی از این دعا تضمین مستقیم بخشی از آیه قرآن است و امام از آن در مقام ثنا برای تأکید بر علم بی‌پایان پروردگار از باطن انسان‌ها استفاده کرده است.

#### ۴-۲-۲. تحلیل

منظور از تحلیل، آن است که گزاره‌های قرآنی با تغییراتی لفظی و یا ترکیبی در کلام به کار گرفته شوند (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۳۷۶: ۳۰۸ و خیاط، ۱۳۹۲: ۱۶۹). در حقیقت، نویسنده الفاظ آیه را در قالب کلام خود می‌ریزد و قالب آیه را مطابق با بافت متن تغییر می‌دهد.

#### ۴-۲-۲-۱. علم مطلق الهی

امام علی<sup>(ع)</sup> علم مطلق الهی را چنین توصیف کرده است: «وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَخْبِرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَبْدِيَّ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَ أَتَقَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي»: و تو آنچه را من در دل دارم، می‌دانی و حاجتم را آگاهی و از نهادم باخبری و سرانجام کار و سرمنزل من بر تو روشن است و نیز آنچه را

می‌خواهم از گفتارم که بدان لب‌گشایم و آن طلبی را که می‌خواهم به زبان آرم و امید آن را برای سرانجام کارم دارم».

عبارت «مُتَقَلِّبِي وَ مَثْوَايَ» به شیوه حلّ و تحلیل از آیه ۱۹ سوره محمد ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَ مَثْوَاكُمْ﴾ اخذ شده است؛ زیرا عبارت قرآنی با اندکی تغییر در کلام امام نمود یافته است. خداوند نسبت به حال انسان در دنیا و اعمال و افعال او خبیر و بیناست و نیز منزلگاه (مثوای) انسان را در آخرت می‌داند؛ زیرا او بر هر چیزی آگاه است. گذشته، حال و آینده در احاطه علمی او مساوی است. این فراز از دعای حضرت بیانگر آن است که خداوند از ظاهر و آشکار، درون و برون و نیز نجوای انسان باخبر است و حتی به اندیشه‌ها و نیات کاملاً آگاهی دارد. به همین دلیل، باید از درگاه او طلب عفو کنید. لذا حضرت در این بند از دعا، علم مطلق و بی‌پایان خداوند را برمی‌شمرد و با تغییر جزئی در ساختار آیه، آن را به سبک خویش و در همان معنا به کار می‌برد. «متقلّب»، اسم مفعول است که به معنای اسم مکان آمده است؛ یعنی جایگاه رفت و آمد و «مثوی» به معنی محل استقرار است. حضرت به جای «متقلّبکم» که مصدر میمی خماسی از ماده «تقلّب» (ر.ک؛ صافی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۶: ۲۲۵)، از مصدر ثلاثی «قلّب»، و به جای ضمیر مخاطب «کم»، از ضمیر متکلم وحده استفاده کرده است، تا آن را در قالب دعا و زبان خویش بیان کند.

گفتنی است علم الهی، علم حضوری است و بر تمام هستی احاطه دارد (ر.ک؛ سعیدی مهر، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۱۹). معنای «علیم» این است که خداوند متعال، عالم است و «علیم»، صیغه مبالغه و از صفات ذات است و مفادش این می‌شود که خداوند متعال عالم به جمیع معلومات، اعم از کلی و جزئی است (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۱۴۲).

#### ۲-۲-۲-۴. رزاقیت

از جمله اسمای حسنای الهی، «رزاق» است که از صفات فعلی خداوند و از مقام فعل او انتزاع می‌شود. همان گونه که اصل وجود موجودات از جانب خداست، دوام وجود آنها



نیز که با رزق تأمین می‌شود، به دست خداست. تأمین رزق و تداوم وجود هر مخلوقی، حقی است برخاسته از رحمت الهی (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۸۷). رزاق، یعنی خداوند متکفل روزی رساندن کسانی است که عهده‌دار روزی آنان است و این روزی رساندن، اختصاص به مؤمن و کافر، یا فاجر و نیکوکار ندارد، بلکه برای همه گسترده است (ر.ک؛ ابن‌فهد حلی، ۱۳۶۸: ۳۰۴). لذا رزاقیت خداوند، کار تفضلی است که خداوند به طور ابتدایی به هر کس بخواهد، می‌دهد. این صفت حق تعالی در مناجات چنین مطرح شده است: «إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي: خدایا، اگر توأم محروم کنی، پس کیست که روزیم دهد». «يَرْزُقُنِي» برآیندی از آیات «إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران / ۳۷)، «وَأَرْزُقْنَا وَلَقَدْ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (المائدة / ۱۱۴)، «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (الذاریات / ۵۸) و «اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (العنکبوت / ۶۲) است. همچنین، «يَرْزُقُنِي» دگرگون‌شده «يَرْزُقُكُمْ» در آیه «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ» (الملک / ۲۱) است.

در عبارت «إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي»، مراد از «رزق»، فقط رزق مادی نیست، بلکه شامل همه خوبی‌ها می‌شود. علم، دانش، معنویت، حُسن خُلق و... همه رزق است. در واقع، هر خیر و رحمتی که از عالم بالا نازل می‌شود و به قلب انسان می‌نشیند و در وجودش حاکم می‌شود، نوعی رزق است.

همچنین، تجلی آیه ۲۱ سوره ملک در فراز مناجات شعبانیه، به صورت اثرپذیری گزاره‌ای و از نوع تحلیل است؛ زیرا عبارت و ترکیب مناجات «فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي» با اندکی تغییر از آیه قرآن «أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ» گرفته شده است. در دیگر آیات، تأثیرپذیری به صورت واژگانی و به صورت برآیندسازی صورت گرفته است؛ چراکه فراز «يَرْزُقُنِي» همراه با واژه و نشانه‌ای از آیات «يَرْزُقُ / الرَّازِقِينَ / الرِّزْقُ / الرَّزَّاقُ» تبیین گردیده است.

#### ۴-۲-۲-۳. نصرت

امام علی<sup>(ع)</sup> درباره نصرت خداوند متعال فرموده است: «وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي: و اگر تو خوارم کنی، پس کیست که یاریم دهد». این عبارت، تغییر یافته این آیه است: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران / ۱۶۰). این فراز از مناجات، بیانگر آن است که اگر خداوند بخواهد کسی را خوار و ذلیل نماید، کسی نمی تواند او را یاری نماید. پس باید از خشم الهی به خدا پناه برد؛ زیرا اگر خداوند بر انسان غضب نماید، چنین فردی هم از روزی محروم می شود و هم خوار می گردد (ر.ک؛ گلابری، ۱۳۹۶: ۱۸).

از آیه فوق چنین دریافت می شود که نصرت الهی منوط و مربوط به توکل بر اوست و اگر توکل بر خداوند نباشد، هر چند نیروی انسان استوار و محکم باشد، مورد خذلان واقع می شود. «خذلان»، ترک نصرت و اعانت است و بنده را به خود واگذارن است (ر.ک؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۳: ۴۱۲)؛ زیرا همان گونه که کسی نمی تواند با تکیه بر توان خود در مقابل حق بایستد، با استمداد از دیگران نیز نمی توان خود را از تیررس قهر الهی رهانید؛ زیرا با انحصار نصرت در خدا، جایی برای نصرت و یاری دیگران باقی نمی ماند، تا بتوان از آن استمداد کرد. هر چه هست و هر که هست، سَمَتِ او، تنها آیت و مظهر صفات فعلی خدا بودن است، ﴿وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ﴾ (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۵۳).

تجلی آیه مذکور در فراز مناجات به صورت اقتباس، حل و تحلیل ظهور یافته است؛ زیرا عبارت و گزاره قرآنی ﴿وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ﴾، با تغییراتی اندک در ترکیب جملات مناجات «وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي» ذکر شده است. به این ترتیب، هر دو متن به یک موضوع اشاره دارند، با این تفاوت که امام با تغییر ساختار (تبدیل فعل مضارع «يَخْذُلْكُمْ» به فعل ماضی «خَذَلْتَنِي» و جایگزین نمودن ضمیر متکلم وحده» به جای ضمیر مخاطب «كُمْ»، آن را به سبک دعا به کار می گیرد و با این اندک تغییر و تحول، خداوند متعال را ثنا و حمد می گوید.

#### ۴-۲-۲-۴. جزاهدنگی

این صفت الهی در این مناجات چنین بیان شده است: «إِلَهِي إِنَّ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمٌ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلٌ ثَوَابِكَ: خدایا، اگر بزرگی کیفرت مرا به دوزخ انداخته است، در مقابل، پاداش فراوانت مرا به بهشت دعوت می کند». موضوع مهم در این فراز، تشویق و توییحی است که در آن نهفته است. از این رو، در قرآن کریم نیز هر جا سخن از جهنم به میان آمده، نویدی از بهشت هم در کنار آن بوده است؛ هم کیفر و هم ثواب، هم تحذیر و هم امید؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) هم بشیر بود و هم نذیر، و اصولاً تربیت انسان نیاز به هر دو دارد؛ هم تشویق و هم توییح (ر.ک؛ عبدخدایی، ۱۳۸۴: ۲۷۶).

تجلی این فراز در آیه ۲۲۱ سوره بقره به صورت گزاره‌ای و از نوع حلّ و تحلیل صورت گرفته است؛ زیرا آیه «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ» با تغییراتی در ترکیب مناجات «فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ» به کار گرفته شده است. امام علی (ع) برای مدح و ثنای پروردگار، کلام وحی را به کار می برد، لیکن در ساختار تغییری ایجاد می نماید. به جای نام «الله»، از ضمیر غائب استفاده می نماید و فعل «يَدْعُو» را که در قرآن کریم به صورت فعل مضارع آمده است و نقش مبتدا برای خبر «الله» دارد، به صورت فعل ماضی «قَدْ دَعَانِي» که مفید معنای تأکید است، بیان کرده است؛ یعنی رحمت الهی آن قدر وسیع و گسترده است که قطعاً رحمتش انسان را به سوی بهشت سیر می دهد.

#### ۴-۳. اثرپذیری گزارشی

در این شیوه اثرپذیری، امام علی (ع) آیه قرآن را به شیوه ترجمه و تفسیر به زبان خویش گزارش نموده است. به این ترتیب، این نوع اثرپذیری، به دو گونه بیان با الفاظ مترادف و تفسیر است.

#### ۴-۳-۱. بیان با الفاظ مترادف

گاه در بیان امیرالمؤمنین (ع) در تبیین اوصاف الهی، نشان از آیاتی می توان یافت که عین الفاظ آن به کار نرفته، بلکه ایشان الفاظی مترادف را به جای الفاظ قرآنی به کار بسته است.

#### ۴-۳-۱. تقدیر امور بندگان

حضرت در تبیین این صفت خداوند سبحان می‌فرماید: «وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَىٰ آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَعَلَانِيَتِي: ای آقای من، مقدرات تو بر من جاری گشته، در آنچه از من تا آخر عمر سرزند؛ چه از کارهای پنهانیم، چه آشکارم». عبارت «قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ» مترادف است با عبارت «بِقَدَرٍ» در آیه «لَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (القمر / ۴۹) و عبارت «فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» در آیه «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (الفرقان / ۲) است.

در این عبارات، تقدیر و ربوبیت تکوینی خداوند بیان شده‌است که بر اساس آن، قضا و قدر تا آخر عمر، خواه به صورت آشکار، خواه پنهان بر بنده جاری است؛ یعنی این‌گونه نیست که خداوند فقط نسبت به انسان و جهان آگاه باشد و هیچ‌گونه فعالیتی انجام ندهد، بلکه امور عالم و از جمله امور بندگان به دست خداوند تقدیر می‌شود (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۳۷). در واقع، مناجات از علل و عواملی است که در سعادت انسان و برآمدن خواسته او نقش دارد؛ یعنی تقدیر خدا بر این قرار گرفته‌است که اگر انسان دعا کند، مشمول سعادت می‌گردد، توبه‌اش قبول می‌شود و خواسته‌اش برآورده می‌گردد و اگر دعا نکند، خواسته او برآورده نشده، مشمول قضا و قدر کلی می‌شود و در گرفتاری غرق می‌گردد. به این ترتیب، در آفرینش به حکمت ازلی و قدرت سرمدی، برای هر چیزی اندازه و حدی مقرر، و نظام عالم نیز روی همین پایه استوار گردیده‌است.

#### ۴-۳-۲. جود

یکی دیگر از اوصاف خداوند متعال در مناجات شعبانیه، توصیف جواد بودن است. امام علی<sup>(ع)</sup> در چند فراز از این صفت الهی یاد کرده‌است: «إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي: خدایا، جود و بخششست آرزویم را گستاخ کرده‌است»، «إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلَبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَبِيَةِ مَحْرُومًا وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلَبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا: خدایا، چگونه من از پیش

تو محروم برگردم، با اینکه چنان حسن ظنی به جود و بخشش دارم که مرا مورد رحمت خویش قرار داده، با نجات بازم خواهی گرداند». در آیات قرآن کریم، گرچه واژه «جود» و «جواد» به کار نرفته است، اما تعبیرات دیگری دیده می‌شود که منطبق بر این مفهوم است: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (البقره / ۲۴۷) و ﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (المائدة / ۵۴). عبارت «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»، یعنی خداوند بخشنده‌ای است که بیم تمام شدن ندارد و دانایی است که جود و بخشش خود را در جایی که حکمت اقتضا کند، به کار می‌برد. برخی گفته‌اند: «یعنی رحمت خداوند، وسیع، و به کسی که شایسته رحمت باشد، دانا است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۸۰). روشن است حضرت به تناسب کلام خویش که قالب دعاست، به جای عبارت «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» از لفظ مترادف آن، یعنی «جود» استفاده کرده است. «جود» صفتی است که مبداء سوددهی و فایده‌رسان است و سزاوار عوض نیست. بنابراین، اگر کسی چیزی را به سبب عوض دنیوی یا اخروی به دیگری عطا کند، جواد نیست. خداوند را «جواد» می‌گویند بدان سبب که بسیار بخشنده است و هر نوع بخششی را از مخلوقات دریغ نمی‌دارد (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۱۱).

در این نمونه، از اثرپذیری و استشهاد، مایه سخن از آیات قرآنی الهام گرفته می‌شود و محتوا و مضمون کلام با توجه به بستری از آیات قرآنی درباره بخشایش وسیع و جود الهی مطرح شده است. لذا تجلی آیات در این فراز به صورت پنهان و گزارشی نمود یافته است.

#### ۳-۱-۳-۴. ستاریت

یکی از عنایتهای خداوند مهربان در حق بندگان، موهبت پرده‌پوشی او از گناهان و زشتی‌های آنان است. در واقع، هر انسانی، آبرو و عزت خویش را در میان جامعه، مدیون پوشانده ماندن لغزش‌هایش از جانب خداوند کریم است. امام علی<sup>(ع)</sup> این صفت را چنین بیان کرده است: «إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَيْ سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ [إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ] إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ: خدايا، به راستی تو گناهانی را در دنیا بر من پوشانیدی که به پوشاندن آن در آخرت محتاج‌ترم (در دنیا

پوشاندی) به اینکه آشکارش نکرده‌ای برای هیچ یک از بندگان شایسته‌ات». در این فراز از مناجات شعبانیه، به صفت کمالی ستار بودن خداوند اشاره شده‌است و بنده با خطاب به معبودش با کلامی لطیف، پوشش گناهانش را از درگاه الهی تقاضا می‌کند. سپس از خداوند متعال نسبت به ستار بودن او در دنیا درباره گناهانش اظهار تشکر نموده که کرامت ویژه خداوند را نسبت به بنده‌اش نشان می‌دهد (ر.ک؛ تحریری، ۱۳۸۶: ۱۰۰). گرچه این صفت در قرآن کریم به صورت مستقیم نیامده، ولی یکی از اسامی پروردگار، «ستار العیوب و غفار الذنوب» است. خداوند بر مبنای ستار بودنش، گناهان آدمی را پنهان می‌دارد و آن را می‌بخشد: ﴿وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (آل عمران/ ۱۳۵). مغفرت گناهان از جانب خداوند به معنای پوشاندن آن‌هاست (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۲۶). در آیات قرآن، با لحن لطیف مناجات و نیایش چنین آمده‌است: ﴿رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ (آل عمران/ ۱۹۴). همچنین، چشم امید به غفران و ستار بودن خداوند متعال در عرصه محشر، فضل اوست، نه استحقاق: ﴿وَالَّذِي أُطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ﴾ (الشعراء/ ۸۲). همچنین، در آیه دیگر، نام خداوند متعال، غفار الذنوب معرفی شده‌است: ﴿غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهِهِ الْمَصِيرُ﴾ (الغافر/ ۳). «غفار» از ماده «غفر» به معنی «ستر و پوشش» است. بنابراین، غفار الذنوب با ستار العیوب قریب‌المعنی است و غفار — صیغه مبالغه — بر کثرت و شمول مغفرت دلالت دارد (ر.ک؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۸۰).

## ۲-۳-۴. تفسیر

حضرت علی<sup>(ع)</sup> در این شیوه، مضمون آیه را بازمی‌گشاید و با شرح و بسط آن، کارکردی تفسیری و توضیحی بدان می‌بخشد.

## ۴-۳-۲-۱. نور هدایت

در عبارت «إِلَهِي إِنْ مِنْ أَنْتَهَجَ بِكَ لَمْسْتَتِيرُ» هر کس به تو راه جوید، راهش روشن است»، حضرت بر ضرورت و اهمیت راه یافتن به سوی خداوند و روشن بودن این راه اقرار

کرده است. «انتهاج» به معنی راه یافتن و راه واضح و روشن است (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۳۳). این عبارت توضیح و شرحی از آیه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (النور/ ۳۵) است. انسان در سیر و سلوک، نیازمند نور هدایت و ولی است و هیچ کس بدون نور هدایت نمی تواند سیری داشته باشد و تنها خداست که می تواند هدایت و ولایت انسان را بر عهده گیرد؛ زیرا اوست که انسان را از ظلمت به نور هدایت می کند، احتیاجات او را می داند و آن ها را برطرف می سازد و او رافع و دافع است و همه چیز به دست اوست (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۶۷). از سوی دیگر، راه های شناخت و معرفت حق، متعدد و گوناگون است، ولی به طور کلی، می توان سه راه ترسیم نمود: راه علم که از طریق مشاهده و تجربه است، راه عقل که بر مبنای تفکر و استدلال است و راه عرفان که بر تزکیه و تعبد مبتنی است. این سه طریق، مورد اعتماد کامل و خالی از اشتباه و لغزندگی نیستند، تنها راهی که می تواند معیار برای هر سه باشد، راه وحی و الهام ویژه الهی است که در انحصار انبیاء و جانشینان معصوم آنان است (ر.ک؛ عبدخدایی، ۱۳۸۴: ۲۰۸). از آنجا که خداوند متعال، نور است (النور/ ۳۵)، پس اگر دیگران قرار است، نورانی شوند، باید نور را از منبع اصلی آن کسب کنند، تا مستنیر گردند و با توجه به آنکه قرآن کریم نور است (قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ (المائدة/ ۱۵))، پس هر کس به پیروی از قرآن کریم برخاست، نور را از وی کسب می کند. مراد از نور خداوند، نور ایمان و معرفت است که خداوند به مؤمنان اختصاص داده، تا در راه رسیدن به سوی پروردگارشان از آن استفاده کنند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵: ۲۴۳).

#### ۴-۳-۲. شایسته حمد

از دیگر اوصاف خداوندی، حمید و درخور سپاس است که حضرت امیر در این زمینه می فرماید: «إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى: خدایا، ستایش، خاص توست؛ ستایش ابدی، جاویدان و همیشگی که فزون شود، ولی کم نگردد، بدان نحو که دوست داری و خشنود شوی». این فراز از مناجات، شرح و تفسیر آیه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الفاتحه/ ۲) است. ترکیب فراز مناجات، از نظر اختصاص و



حصر تحمید و ستایش برای خداوند، متناسب با آیات قرآنی آمده است. «الف» و «لام» در «الحمد» یا دلالت بر استغراق یا جنسیت دارد. در هر دو صورت، بیانگر آن است که به طور کلی، حمد و ستایش منحصر به پروردگار است؛ زیرا صحنه آفرینش را او آفریده و هر زیبایی و کمال را او پدیدار ساخته، کتاب تکوین رشحه‌ای از قدرت او و کتاب تدوین آیه‌ای از هدایت اوست. ستایش خداوند در محدوده زمان و مکان نمی‌گنجد، بلکه همیشه و در همه جاست (ر.ک؛ عبدخدایی، ۱۳۸۴: ۱۶۹). از سویی دیگر، بهترین دعا، تحمید و حمد خدای سبحان شمرده شده است و از طرح درخواست قبل از حمد نهی شده است. نتیجه چنین نیایشی، توحید است و پیام این حمد و ثنا آن است که نباید هیچ سهمی در هیچ مقطعی برای غیر خدا معتقد بود (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۴۷). از این رو، حضرت قبل از درخواست‌های خویش، خداوند را ستوده است.

#### ۴-۴. اثرپذیری الهامی (پنهان - غیر مستقیم)

در تأثیرپذیری پنهانی و غیرمستقیم، موضوعات و مواردی که در متن به کار گرفته می‌شود، تحت تأثیر روح حاکم بر قرآن است که به صورت معارف یا آموزه‌های الهی در متن بیان می‌شود، بدون اینکه آیه‌ای، بخشی، ترکیبی، واژه‌ای و یا حتی اشاره، یا تلمیحی به آیات قرآن کریم داشته باشد (ر.ک؛ خیاط، ۱۳۹۲: ۵۴). در اینگونه اثرپذیری، حضرت موضوع یا مطلب را از قرآن کریم برگرفته، سپس فرآوری نموده، در قالب دعا تبیین می‌کند. نگاهی به مناجات شعبانیه این مطلب را میرهن می‌سازد که سخنان امام علی<sup>(ع)</sup> نه تنها از لحاظ فصاحت و بلاغت (واژگانی، گزاره‌ای و گزارشی)، برگرفته از قرآن است، بلکه به لحاظ معارف و حقایق نیز از قرآن اثر پذیرفته است.

#### ۴-۴-۱. وسعت جود الهی

امام علی<sup>(ع)</sup> پیرامون گسترش بخشش الهی چنین فرموده است: «إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي». بی‌گمان واژه «بَسَطَ» از عبارت قرآنی «يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» الهام گرفته است از آیه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»

(المائده/ ۶۴) که در برابر عقیده یهود، درباره وسعت بذل و جود الهی است. توضیح آنکه یهود معتقد بودند دست خدا (از جود و بخشش و روزی دادن) در قید و بند بسته شده است. گفته اند: مال و دارایشان از همه مردم بیشتر بود، چون پیامبر (ص) را تکذیب نمودند، زندگی بر آنان تنگ و سخت شد. آنگاه خدا را به بخل و زفتی وصف کرده، گفتند: دست او بسته شده است. پس از آن، خدای تعالی آن‌ها را نفرین کرده، می فرماید: دست‌های ایشان در قید و بند بسته شده است (و همیشه به بخل و زفتی گرفتارند و درباره دیگری جود و بخشش ندارند) و به سبب آنچه (سخن زشت و نادرستی) که گفتند از خیر و نیکی (سعادت و نیکبختی) دور گشته‌اند (ذلیل و خوار مسلمانان و در آخرت به عذاب جاوید گرفتار خواهند بود). چنین نیست که گفتند، بلکه دو دست خدا باز و گشاده است (جود و بخشش او بی پایان است و اینکه فرموده هر دو دست او باز است، برای آن است که دانسته شود عطا و بخشش او بسیار است؛ زیرا منتهی درجه و پایه بخشش بخشنده آن است که به هر دو دست ببخشد)، هر گونه بخواهد، (به بندگانش) انفاق می کند و می بخشد (ر.ک؛ فیض الإسلام، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۳۶).

#### ۲-۴-۴. قرب

امام (ع) درباره این صفت خداوند چنین فرموده است: «يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ: ای نزدیکی که دور نگردی از آن کس که بدو مغرور گشته است». این عبارت که به نزدیکی خداوند متعال به بندگان اشاره دارد، در واقع، آن حضرت، مقام قرب الهی را توصیف کرده که از اصول و مبانی سیر إلى الله است و مؤمن رهرو إلى الله، با نور حضور و انس به حق تعالی، مسیر بندگی را طی می نماید. اگرچه عبارت فوق صریحاً در قرآن وجود ندارد، ولی متأثر از آیات «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...» (البقره/ ۱۸۶) و «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/ ۱۶) است. مقصود از «حبل الوريد»، رگ گردن است. این عبارت در گفتمان، متلی است که در فرط قرب خداوند متعال نسبت به بندگان بیان شده است. در واقع، نزدیک تر بودن خداوند به بندگان از رگ گردن، تمثیل و تشبیهی است

برای قُرب معنوی در قالب یک صورت حسی که متناسب با اندیشه مخاطب زندیق بیان شده است.

«قرب»، صفت فعل پروردگار است و قرب آفریدگار و نزدیکی او به موجودات، به معنای کمی فاصله مکانی نیست؛ زیرا نزدیکی و دوری دو امر نسبی بوده، از لوازم جسم هستند، بلکه قرب خداوند به مفهوم احاطه است؛ به عبارت دیگر، پروردگار به علت احاطه‌ای که بر بشر دارد، از هر چیز به او نزدیک‌تر است: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۲۳). مراد از قرب خدا به بندگان، قرب مکانی نیست؛ زیرا این گونه نزدیکی از خصوصیات جسم است. خداوند منزّه از مکان و جسمانیت است، بلکه مراد از قرب، احاطه و قیومیت وجودی خداوند بر مخلوقات است (ر.ک؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۳۸ و جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۴۰۱).

انعکاس آیات الهی در این بخش، به صورت الهامی-بنیادی متجلی شده است؛ زیرا امام سخن خود را بر اساس نکته‌ای قرآنی بنا نهاده است و آن را با نشانه‌ای (قرب) همراه ساخته که این نشانه سبب یادآوری واژه ویژه و خاصی از قرآن شده است.

## ۵. نتیجه

پس از بررسی شیوه‌های تأثیرپذیری آموزه‌های مناجات شعبانیه درباره اوصاف الهی از آیات قرآن، نتایج زیر قابل اشاره است:

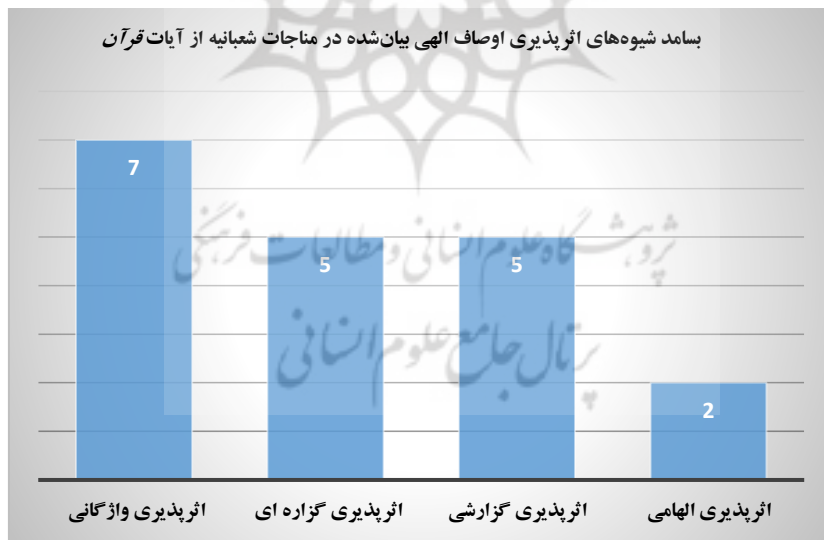
— بررسی روش‌های تأثیرپذیری مناجات شعبانیه با محوریت اوصاف الهی از آیات قرآن، مبین آن است که روش‌های تأثیرپذیری حضرت از قرآن محدود به اقتباس‌های ساده و عادی از قرآن کریم نمی‌شود، بلکه عمدتاً در بافتی زیبا به صورت مضمّر و غیرمستقیم است.

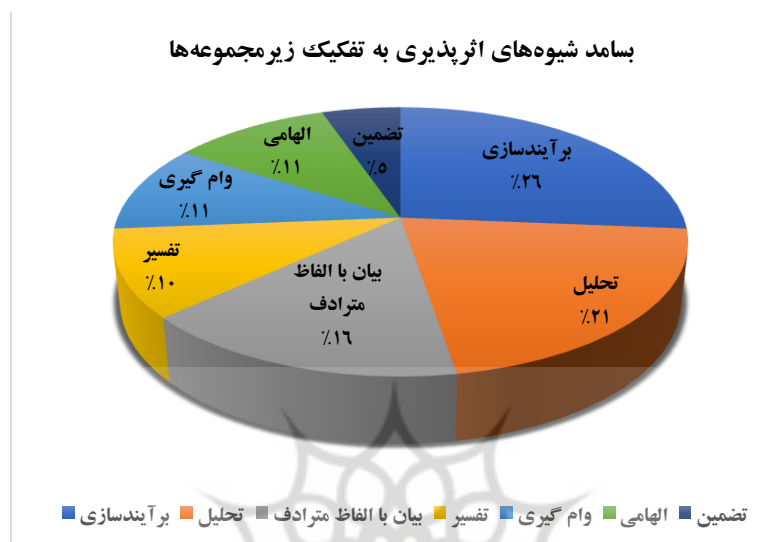
— کشف تعامل زبان‌شناسانه میان دو متن مناجات شعبانیه و قرآن، شاهدهی بر وثاقت و اعتبار مناجات شعبانیه منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup> به شمار می‌آید. در واقع، هدف این پژوهش،

گردآوری قرینه‌هایی است که به مثابه دلیلی بر وثاقت این دعا به شمار می‌رود و نسبت دعا به گوینده را که در حکم قرآن ناطق است، محکم‌تر می‌سازد.

— امام<sup>(ع)</sup> با تسلط و انس با آیات قرآن، برای ترسیم اوصاف الهی در مناجات شعبانیه، از اثرپذیری واژگانی (وام‌گیری و برآیندسازی)، گزاره‌ای (تضمین و تحلیل)، گزارشی (بیان با الفاظ مترادف و تفسیر) و الهامی استفاده کرده‌است. بر اساس آنچه در نمودار ملاحظه می‌شود، پربسامدترین اثرپذیری از نوع واژگانی و به شیوه برآیندسازی است، به گونه‌ای که گویی الفاظ قرآنی در بافتی دیگر در کلام حضرت به کار رفته‌است.

— در مناجات شعبانیه، اگرچه راز و نیاز با معبود و بیان حاجت در پیشگاه وی از سوی امام علی<sup>(ع)</sup> بیان شده‌است، اما در نگاهی کلان می‌توان دغدغه‌ای فراتر از آن دریافت؛ چراکه این مناجات دریای بیکرانی از علوم و معارف الهی است که در ضمن آن، حضرت<sup>(ع)</sup> می‌کوشد تا معارف توحیدی و عرفانی ناب را در قالب دعا بیان نماید و به نوعی، الگوی بندگی را به مخاطبان آموزش می‌دهد که چگونه در دعا، از اسمای الهی استفاده نمایند.





### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### ORCID

Bibi Sadat Razi

<https://orcid.org/0000-0003-3548-348X>

Bahadi

<https://orcid.org/0000-0002-0452-2637>

Zahra Sarfi

<https://orcid.org/0009-0004-8274-1458>

Zahra Abaie

Fereshteh Motamad

<https://orcid.org/0000-0002-8759-9209>

Langroudi

### منابع

قرآن کریم.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶). *الإقبال بالأعمال الحسنة*. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: دفتر

تبلیغات اسلامی.

ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۳۶۸). قم: دار الکتب الإسلامی.

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ ق.). *لسان العرب*. بيروت: دار صادر.
- ايبارى، ابراهيم. (بى تا). *الموسوعه القرآنیه*. قاهره: مؤسسه سجل العرب.
- تحريرى، محمد باقر. (۱۳۸۶). *نجواى عارفانه؛ شرحى بر مناجات شعبانیه*. تهران: حر.
- تفتازانى، مسعود بن عمر. (۱۳۷۶). *المطول*. قم: مكتب الداورى.
- جرجانى، على بن محمد. (۱۳۷۰). *التعريفات*. قاهره: دار الكتاب المصرى.
- جوادى آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: نشر اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). *توحيد در قرآن*. قم: اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۸). *تسنيم*. قم: اسراء.
- حسينى همدانى، محمد. (۱۴۰۴ ق.). *انوار درخشان در تفسير قرآن*. تهران: لطفى.
- حلى، حسن بن يوسف. (۱۴۱۳ ق.). *كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد*. تحقيق آيت الله حسن زاده. قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
- خمينى، روح الله. (۱۳۶۴). *صحيفه نور*. تهران: وزارت ارشاد اسلامى.
- خويى، ميرزا حبيب الله. (۱۴۰۰ ق.). *منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه*. تهران: مكتبة الإسلامية.
- خياط، على. (۱۳۹۲). *تجلى قرآن در نيايش معصومان*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوى.
- راستگو، محمد. (۱۳۸۵). *تجلى قرآن و حديث در ادب فارسى*. تهران: انتشارات سمت.
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *مفردات الفاظ قرآن*. بيروت: دار القلم.
- سعيدى مهر، محمد. (۱۳۸۳). *آموزش كلام اسلامى (خداشناسى)*. ج ۳. تهران: انتشارات طه.
- سماهيجى، عبدالله بن صالح. (۱۳۶۹). *صحيفه علويه*. ترجمه هاشم رسولى محلاتى. تهران: اسلامى.
- شريف مرتضى، على. (۱۴۰۵ ق.). *رسائل الشريف المرتضى*. تحقيق سيد مهدى رجائى. قم: دار القرآن الكريم.
- شفيعى، حسين. (۱۳۷۶). *«مناجات شعبانیه و سند آن»*. پیام حوزه. ش ۱۵. ص ۹۶.
- صافى، محمود بن عبدالرحيم. (۱۴۱۸ ق.). *الجدول فى اعراب القرآن*. ج ۴. دمشق: دار الرشيد.
- طالقانى، محمود. (۱۳۶۲). *پرتوى از قرآن*. تهران: شركت سهامى انتشار.
- طباطبائى، محمد حسين. (۱۴۱۷ ق.). *الميزان فى تفسير القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسى، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البيان فى تفسير القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طريحي، فخر الدين. (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. تهران: مرتضىوى.

تجلی آیات قرآنی در مناجات شعبانیه (مطالعه موردی اوصاف الهی)؛ رضی بهابادی و همکاران | ۲۱۳

طوسی، نصیرالدین. (۱۴۰۷ق.). تجرید الاعتقاد. تحقیق محمدجواد حسینی جلالی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۶۲). تمهید الأصول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
\_\_\_\_\_ . (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.  
عبدخدایی، محمدهادی. (۱۳۸۴). جلوه گاه عرفان: شرح مناجات شعبانیه. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

فیض الإسلام، علی نقی. (۱۳۷۸). ترجمه و تفسیر قرآن عظیم. تهران: فقیه.  
قرشی، باقر شریف. (۱۴۲۹ق.). موسوعه الإمام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب. قم: دهکده جهانی آل محمد.

گلایری، علی. (۱۳۹۶). شیوه دعا در مناجات شعبانیه. تهران: کتاب سمنگان.  
مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
\_\_\_\_\_ . (۱۴۲۳ق.). زاد المعاد - مفتاح الجنان. تحقیق علاءالدین اعلمی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۹). ریحانة الأدب در شرح احوال و آثار. چ ۳. تهران: کتابفروشی خیام.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.  
مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق.). الف. الإرادة. قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفید.  
\_\_\_\_\_ . (۱۴۱۳ق.). ب. أوائل المقالات. قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفید.

سفره توحید؛ سیری در مناجات شعبانیه. (۱۳۹۸). مشهد: مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی.  
موسوی خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰). روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات. چ ۱. قم: اسماعیلیان.

نجاشی، احمدبن علی. (۱۳۶۵). رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة.

## Reference

*The Holy Quran.*



- Abdkhodaei, Mohammad Hadi. (1384). *Manifesto of Mysticism: Description of Prayers of Sh'abaniyeh*. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian].
- Abyari, Ibrahim. (ND). *Al-Mowsou'at al-Qur'aneyat*. Cairo: Sejal al-Arab Institute. [In Arabic].
- Faiz ul-Islam, Ali Naghi. (1378). *Tarjomeh va Tafsir Qur'an Azim*. Tehran: Faghih. [In Persian].
- Ghoreshi, Bagher Sharif. (1429 AH). *Mowsou'at al-Imam Amir al-Mu'menin Ali ibn Abi Talib*. Qom: Al-e Mohammad Global Village. [In Persian].
- Golayeri, Ali. (2016). *The Way of Praying in the Prayers of Sh'abaniyeh*. Tehran: Samangan Book. [In Persian].
- Helli, Hasan ibn Yusof. (1413 AH). *Kashf ul-Morad fi Sharh-e Tajrid al-E'eteghad*. Ayatollah Hassanzadeh's Research. Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing Institute. [In Persian].
- Hosseini Hamedani, Mohammad. (1404 AH). *Anvar Derakhshan fi Tasir Qur'an*. Tehran: Lotfi. [In Persian].
- Ibn Tavous, Ali ibn Musa. (1376). *Al-Eghbal bel-A'amal al-Hasanah*. Research by Javad Ghayyomi Isfahani. Qom: Islamic Propaganda Office. [In Persian].
- Ibn Fahad Helli, Ahmad ibn Mohammad. (1368). Qom: Dar al-Kotob al-Islami. [In Persian].
- Ibn Manzour, Mohammad ibn Mokarram. (1414 AH). *Lesan al-Arab*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic].
- Javadi Amoli, Abdullah. (1388). *Stages of Morality in the Qur'an*. Qom: Esra Publications. [In Persian].
- (1386). *Monotheism in the Qur'an*. Qom: Isra. [In Persian].
- Jorjani, Ali ibn Mohammad. (1370). *T'arif*. Cairo: Dar al-Ketab al-Mesri. [In Arabic].
- (1388). *Tasnim*. Qom: Isra. [In Persian].
- Khomeini, Rouhollah. (1364). *Sahifeh Noor*. Tehran: Ministry of Islamic Guidance. [In Persian].
- Khoei, Mirza Habibullah. (1400 AD). *Menhaj al-Bara'ah fi Sharh-e Nahj ul-Balaghah*. Tehran: Islamic School. [In Persian].
- Khayat, Ali. (2012). *Tajalli Qur'an dar Neyayesh-e M'asouman*. Mashhad: Astan Ghods Razavi Publications. [In Persian].
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1403 AH). *Behar al-Anvar*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].

- (1423 AD). *Zad al-M'aad - Meftah al-Jennan*. Alauddin Al-Alami's Research. Beirut: Al-Alami Publishing Institute. [In Arabic].
- Modarres Tabrizi, Mohammad Ali. (1369). *Reyhanat ul-Adab in the description of Life and Works*. 3<sup>th</sup>. Tehran: Khayyam Bookstore. [In Persian].
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. (1413 AH). a. *Al-Eradah*. Qom: The World Conference of Sheikh al-Mofid. [In Persian].
- (1413 AH). b. *Avael ul-Maghalat*. Qom: The World Conference of Sheikh Al-Mofid. [In Persian].
- Mostafavi, Hassan. (1360). *Al-Tahghigh fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian].
- Mousavi Khansari, Mohammad Bagher. (1390). *Rowzat al-Jannat fi Ahval al-'Olama va al-Sadat*. 1<sup>th</sup>. Qom: Ismailian. [In Persian].
- Najjashi, Ahmad ibn Ali. (1365). *Rejal al-Najjashi*. Qom: . Islamic publishing institute under the community of teachers in Qom Mashrafe. [In Persian].
- Rastgoo, Mohammad. (1385). *Tajalli-e Qur'an and Hadith dar Adabiat-e Farsi*. Tehran: Samt Publications. [In Persian].
- Ragheb Esfehiani, Hossein ibn Mohammad. (1412 AH). *Mofradat Alfaz Qur'an*. Beirut: Dar al-Ghalam. [In Arabic].
- Saeedi Mehr, Mohammad. (1383). *Amozesh Kalam Eslami (Khodashenasi)*. 3<sup>th</sup>. Tehran: Taha Publications. [In Persian].
- Safi, Mahmoud ibn Abdul Rahim. (1418 AH). *Al-Jadval fi E'erab al-Qur'an*. 4<sup>th</sup>. Damascus: Dar al-Rashid. [In Arabic].
- Samahiji, Abdullah ibn Saleh. (1369). *Sahifeh Alaviyyeh*. Translated by Hashem Rasouli Mahallati. Tehran: Islamic. [In Persian].
- Shafii, Hossein. (1376). "Shabaniyeh Prayer and its document". *Payam-e Howzeh*. No. 15. P. 96. [In Persian].
- Sharif Morteza, Ali. (1405 AH). *Rasael al-Sharif al-Mortaza*. Seyyed Mehdi Rajaei's Research. Qom. Dar al-Qur'an al-Karim. [In Persian].
- Sofreh Towhid; Seyri dar Monajat-e Sh'abaniyeh*. (2018). Mashhad: Astan Ghods Razavi Youth Institute. [In Persian].

- Tabataba'i, Mohammad Hossein. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Qom Seminary Teachers' Community. [In Persian].
- Tabresi, Fazl ibn Hasan. (1372). *Majma ul-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian].
- Taftazani, Masoud ibn Omar. (1376). *Al-Motavval*. Qom: Al-Davari School. [In Persian].
- Tahriri, Mohammad Bagher. (1386). *Mystical Whisper; A Commentary on the Prayers of Sh'abaniyeh*. Tehran: Hor. [In Persian].
- Taleghani, Mahmoud. (1362). *Partovi az Qur'an*. Tehran: Publishing Company. [In Persian].
- Tarihi, Fakhruddin. (1375). *Majma ul-Bahrain*. Tehran: Mortazavi. [In Persian].
- Tayyeb, Abdul Hossein. (1369). *Atyab ul-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Islam. [In Persian].
- Tousi, Mohammad ibn Hasan. (1362). *Tamhid ul-Osoul*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian].
- (ND). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Tousi, Nasiruddin. (1407 A.H.). *Tajreid ul-E'eteghad*. Research by Mohammad Javad Hosseini Jalali. Qom: Islamic Propaganda Office. [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

**استناد به این مقاله:** رضی بهابادی، بی‌بی سادات، صرفی، زهرا، آباتی، زهرا و معتمد لنگرودی، فرشته. (۱۴۰۱). تجلی آیات قرآنی در مناجات شعبانیه (مطالعه موردی اوصاف الهی)، دوفصلنامه علمی سراج منیر، ۱۳ (۴۵)، ۱۸۵-۲۱۶.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.64579.1765



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.